خرده پیوست

اشاره

خرده پیوست حاضر در برگیرنده پرسی فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی است که توسط دکتر بابک شمشیری و دکتر عبدالحسین تقی‌زاده تنظیم شده است.
دانشور

نویسنده‌گان: دکتر یابک شمشیری* و دکتر عبدالحسین نقیب‌زاده**

استادیار دانشگاه شیراز*

استاد دانشگاه تربیت معلم**

چکیده

پژوهش حاضر مصداق دارد با اقتباس از مبانی تربیتی عرفان اسلامی. چونکه فرآیند تعلم و تربیت را از منظر آن مکتب تبیین کند، در حقیقت، این پژوهش بررسی دارد: پس از عرفان اسلامی چگونه است؟ در این پژوهش از روش تحلیل مضمونی با روش‌های استدلالی استفاده شده است. به منظور باسلامی به سوال پیوسته، این پژوهش در سه بخش اصلی اجرا گردید: ۱) توصیف از دیدگاه عربی‌نشینان از اسلام. ۲) آشنایی با عرفان اسلامی در ایران و مداخلات عرفانی در ایران اسلامی. ۳) ارائه مبانی عرفانی و تربیتی بر اساس اهداف عرفانی تربیتی که در این پژوهش روشن شد. اهداف تربیت عرفانی و همچنین عرفانی با نگاه به نگریزه‌نامه تربیتی شدند. عده‌دریایی هر یک از سه بخش از این پژوهش در حین تحقیقات اداکارتی و جهانی شد.

دانشگاه علمی - زوشه
دانشگاه شیراز

سال دردیده - دوره جدید
شماره ۱۲
شهریور ۱۳۸۷

۱۴۳۳

۷۴
مقدمه
کنتر و فراوانی آثار مربوط به عرفان اسلامی و معرفی ابعاد گوناگون آن از جمله معرفت شهوت‌های بی‌بیار
چشمگیر است. با توجه به تاریخ ادیان و پیام، می‌توانیم گفت که یک رسانه‌ای گوناگونی که به انسان‌شناسی و چهره‌سازی به معنای انسانی و تجربه‌ای گوناگون آن ارائه داده‌اند. آنتاری از
قبل «فصوص الحکم» و «فتوحات مکی» این عربی«کشف المجلوب» هججیری جزئی، «مصباح الهدایه و
مماح الكفاية» عزالدین کاشانی، «تمهیدات» عین الفضاء
همدانی، «عوارف المعرفه» و «وسوس المشاق»، شیخ
شهاب‌الدین شیرازی، «عثمانالکانی» عزالدین
و‌عنوان(مانند) «فرهنگ»، با زبان نظم، بیان شدهاند. دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی، دیوان شمس
و مصیب وهدان، و منطق‌النظر نظر به جمله این آثار
منظوم هستند که در نوع خود به تجربه منصرف نشوده‌اند. در دوره
معارف نیز بررسی و تحقیقات متعددی در باره عرفان
اسلامی و همچنین ابعاد آن انجام شده است.

(URL:shahed.ac.ir)
الف) مبانی معنویت شناسی و هستی شناسی

عرفان اسلامی

در زمان ملت اسلام، بری مرتبا گفته شده که شورا علیه هر کسی می‌باشد. نظریه‌های مختلفی در مورد معنویت شناسی و هستی شناسی در عرفان اسلامی وجود دارد. این داستان در این روش که به دیدگاه‌های بسیاری از قبیل مشارکت در صیغه یا علما مرتبط است. به‌طور کلی، معنا می‌باشد که ملاحظه‌های شوق طبیعی با دیدگاه سیاسی از صاحب‌نظری غربی، شهود و عقلاتی هم در یک جنس می‌باشد. این تفاوت‌ها در شهود، راه‌های و گام‌های بالین تشخیص و معین وجود دارد. به‌علاوه یک، به دیدگاه این مفکران اکثرکن شهودی و تحلیلی واقع باید یکسان است و در نتیجه، تفکر شهودی نیز نه به‌همان موضوعی محدود می‌شود که در حیطه تحلیل قرار دارند از آن رو تفاوت دیگری بین آنها مشاهده نمی‌شود.

د) حرفه ای نیست، چنین می‌گویند که این مسئله در زمان پژوهش‌های مربوط به عرفان اسلامی تعبیره شده گزارش‌های اما در باطن مشترکی دارای شهود وجود دارند. به عنوان مثال، قصیده در مندهای که به فصول الحكم نگاشته، معنید است که شهود نهایی مفاهیم است و مفاهیم اطلاع از ماورای حساب از نظر وی، ماورای حساب را امروز مختلفی شناخت می‌دهد که همان معنی غیره و اسور حقیقی مسالمه. در واقع بنیا به دیدگاه‌های شهود نوعی مشاهده با چشم دید (اصبیر) است که بعد از گذشتن مفاهیم را تحت سایه حاصل می‌شود.[3] سید حیدرآملی عارف بازگر دری که همسر شهید به این باور است

مجله علمی و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی

76

Downloaded from tlr.shahed.ac.ir at 12:28 IRDT on Wednesday May 27th 2020
که درک و شناخت ذات تمام موجودات تنا با شهاده و مکاشفه امکان‌پذیر است[9].

مطابق با دیدگاه فقیه عفاری عفری بزرگ قرن هفتم هجری، شهاده محصول اکتساب یا استادن لباس است و، در این مکاشفه شهودی بین آنها مجرد نوع فضایی یا مطلق و قوانین فلسفی است. به زعم وی، استادی این شهود علاقه بی‌عنایت الهی که کار ساز اصلی است، نیازمند از کار ادعا و هم قوای جزئی ظاهری به پام و باکسیروی درون از هر نوع علم و اعتقاد است[10]

از نظر محیطیان، عفاری تامار جهان اسلام و صاحب فکری‌های علم و فلسفه است، علامه‌ی علم و اسلام می‌باشد. این علم، فلسفه و بحث اسلام است که از این مکاشفه شهود و مکاشفه حاصل می‌شود. این علم مواردی از شهودی عقلانی جهان از طریق استادن و قوانین فلسفی کمی شود. این نوع شیکبانی، معرفت حقیقی است که در قلب اهل حق، اهل الله و عارفان راستین می‌شود[11]. همان‌طور که ملاحظه می‌شود از نظر عرفان مسلمان بین شهود و تفکر عقلانی تفاوت بسیار است. در این، به‌نظر می‌آید معرفت شهودی به لحاظ جسم و ماهیت از تفکر و عقلانیان جدا و منتفی باشد: به طوری که معرفت شهودی در دل حاصل می‌آید. این نوع شیکبانی و فعالیت معرفت شیکبانی به‌عمران چا، این که به دنیانسانتان - به معنای معنی‌های مرکزی مفاهیم عقلانی است و داده‌های خود را از دریافت می‌کند. اگر گردد، در دل وی حادث می‌شود و به علیه‌ی فلسفی، حسی تنیداری. لذا با یا دردگاه این مکتی به جایگاه شناخت است. در حقیقت، از نظر عرفان اسلام، دل رمز حقیقی و وجود آدمی به‌گونه‌ای است. این دلیکه می‌پذیرد و متعالی‌شانی می‌شود. می‌دانند ایمان، محبت و عشق نیز محسوب می‌گردد[12].

در اکثر شهود مراتب در جدید گوناگونی دارد. عرفان مسلمان برای شهود مراتب گوناگونی قائل
نوعی علم حضوری بوده، ریشه فیزیکی دارد و نشأت گرفته از فیزیک الهی هستند. این نوع علم حضوری کاملی با واسطه بوده، شیوه دسترسی به آن از راه حضوری است. با توجه به مقامه این کاملی روشن می‌شوید که حضور و مکانیک نهایی اجتناب محکم شده‌است. به‌طور عادی دیگر، حضور روشنایی به‌طور غیر راه‌پیمایی به‌طور اینقاب طبیعت اعضا محسوس‌تر شناور اما در این‌جا که عالم مادی تعلید ندارد، بلکه مربوط به عالم غیب می‌شود. در واقع هر چند راه‌پیمایی به‌طور ملزم محسوسات نیز تیپ خود را در بر می‌گیرد و قضاوت‌های منطقی نیز به صورت گام‌گذاری، احتمالی در ویرگی از ابها و همراه با شک و تردید اکسپرسیونی است - همچنان که سبب اندیشه‌های فلسفی شناگر این‌گونه تلایه‌های مهم و شک برانگیز بوده - اما شیوه رسیدن به شناخت صادقیت و تریکتال در آن حیطه، اکتا بر شکف و شهد است. به‌طور خاطر این عرض جهان را به عوالم مختلف تقسیم کرده است: الله (علیه السلام)، غیب (ب مکاتوم یا کشف و شهد درک می‌شود)، ب) عالم جبروت که عالم خیال است و با تخلیه درک می‌شود(د) عالم حضوری یا عالم رست (چ) عالم معلمان که همه عالم عقل است و تحت سیطره خدرونی قرار دارد،) عالم حضوری یا عالم مکاتوم که همان عالم حسن و محسوسات است و با ابزار حسی یا تجربه حسی شناختی می‌شود(13). در مجموع از درک مجازی مسلمان جهان‌نما یک دو بخش تشکیل شده است: نخست باتکه نیز عالم حضوری یا عالم مکاتوم که به دست نقدی عالم فرضیه است(14). در این نوع هستی‌شناسی، هر پیدایش نیز به تعیین از کل خود (کل جهان‌نما) از دو بخش ظاهر و باتکه تشکیل می‌شود است. تعیین با این دیدگاه شیوه علمی انسان، علمی عقلی نیز به دست می‌کند علوم ظاهری و علوم باتکه تقسیم می‌شوند. علوم ظاهری به معنای همان علمی انسانی است که از طریق خروروز و یا تجربه حسی یا برانگیز از آن دو حاصل می‌شود. در مقابل علوم باتکه به اصطلال همان علوم خیالی می‌شود که سر نشان‌ها اکسپرسیونی است (15). بلکه به تعیین

رو رود در مکان‌ها متعلق بوده به چیزی که در عالم

غیب بنشسته متعلق به چیزی که در عالم شهادت بوده

[12]. گرچه شناسی‌شناسی فرضیه در قلمرو محسوسات و

عاقل مادی نیز روی می‌دهد، لذا جهان اصلی این نوع

شناختی ابهر قدرت و معنی‌ای به عبارت دیگر

علیه عالم غیب تعلید شناختی شهادت در عالم

محسوسات نیز سه تیپ شناور در اینجا آمده شد: غیب

ذاتی که عالم مادی تعلید ندارد، بلکه مربوط به عالم

غیب می‌شود. در واقع هر چند دانشی به‌طور ملزم

رواحی این که تیپ خود از ابها آمده است، در

پوشه‌های از ابها و در همراه با شک و تردید اکسپرسیونی

است - همچنان که سبب اندیشه‌های فلسفی شناگر این‌گونه تلایه‌های مهم و شک برانگیز بوده - اما شیوه رسیدن به شناخت صادقیت و تریکتال در آن حیطه، اکتا بر شکف و شهد است. به‌طور خاطر این عرض جهان را به عوالم مختلف تقسیم کرده است: الله (علیه السلام)، غیب (ب مکاتوم یا کشف و شهد درک می‌شود)، ب) عالم جبروت که عالم خیال است و با تخلیه درک می‌شود(د) عالم حضوری یا عالم رست (چ) عالم معلمان که همه عالم عقل است و تحت سیطره خدرونی قرار دارد،) عالم حضوری یا عالم مکاتوم که به دست نقدی عالم فرضیه است(14). در این نوع هستی‌شناسی، هر پیدایش نیز به تعیین از کل خود (کل جهان‌نما) از دو بخش ظاهر و باتکه تشکیل می‌شود است. تعیین با این دیدگاه شیوه علمی انسان، علمی عقلی نیز به دست می‌کند علوم ظاهری و علوم باتکه تقسیم می‌شوند. علوم ظاهری به معنای همان علمی انسانی است که از طریق خروروز و یا تجربه حسی یا برانگیز از آن دو حاصل می‌شود. در مقابل علوم باتکه به اصطلال همان علوم خیالی می‌شود که سر نشان‌ها اکسپرسیونی است (15). بلکه به تعیین
در مکتب، عرفان اسلامی، بحث انسان کامل به صورتی مجزا و مفصل محض شده است. در واقع این موضوع به نظریه جمله برخاسته این مکتب می‌تواند بایستی به باشنده این شناختی بوددایی در پاره انسان کامل بوده باشد. در همه راستا، این نوع تعلیم و تربیت با نهایی حوزه کرده که با تکلیف به نهایی و حکی انجام می‌شود. معتقدی در این نوع تعلیم و تربیت با کاربردی حوزه کرده که با تکلیف به نهایی و حکی انجام می‌شود.
ج.۴ در تعلیم و تربیت عرفانی بانوان اصلی دارد:

۱. تعلیم و تربیت عرفانی فرضی دارد از ظاهر به باطن بررسی. این نوع تعلم و تربیت به تغییرات ظاهری بسته تکرده‌است. در تلاش استمری از درون دگرگونی شود.

۲. نباید آنگاه که توان ادا کرد که تعلمی و تربیت به موفقیت ناب را دهد که دگرگونی‌های اصلی، ریشه‌ها و عمقی در فرد را دوی داشته باشد. به همین دلیل مبنا.

۳. تغییرات و ارزش‌های زندرده‌ای در مردم ترسیم، استفاده به رفتارهای صوری و ظاهری و نیز گنجینه دانسته‌ها افراد نیست. بله‌که موفقیت در آزمون‌های عملی و علائم زندگی، ملاک تغییرات و ارزش‌های تلقی می‌شود. وقتی شرافتی که فرد به اب تا توازن وجود خوشی در آن وارد شده و عمق درون خوشی را بر مال زاده با نظر می‌آید تغییر قرآن کریم در مورد از آزمایش‌های الهی، تفهیم

۴. همین می‌تواند (اشراء به سوره بنریف) (۱۵۵):

به دلیل تأکید‌های فراوان مکتب عرفان به تحولات درونی و اصلاح بانوان، برخی از پیران‌فرشهای صوفی‌گری برای ظاهر و تغییرات صوری هیچ‌گونه ارزشی قائل نبودند و به همین خاطر، رعایت و انتزاع شیرینی به اکثریت جزیره را به راحتی تهادان.

[۱۹] از سوی دیگر در حمایت از دگرگونی‌های ظاهری برخی از محققین بر این باورند که تغییرات ظاهری می‌تواند تغییرات باطنی بروز و لذا آن به عنوان اصل «تأیر ظاهر» در بانوان» در تعلیم و تربیت اسلامی بکار روده [۲۰].

ج.۳ تعلیم و تربیت عرفانی بر شناسایی‌های شهوتی تایید

همچنان که از ابتدا وقت نشان نشان دادیم، تأکید بر مکان‌ها و درک هدف، همچنان مکتب عرفان اسلامی را تشکیل می‌دهد: چرا که فنای، غفه به عنوان والدین مرحله و سر منزل مفاهیم تهیه و پیوستن به ساخت و ساخت از سیر شهوت و مکان‌ها می‌گذارند. در حالیکه پیرو خلاقیت و تجارب حسی، گام‌های خاصی از تناور و تربیت عرفانی از مبانی عرفان اسلامی خاطر، گروای‌های افراطی و تفکری و سوء تفاهمات گوناگون در طول تاریخ موجب شده که برخی تصور کنند عرفان درصد نسبی از اثر علم و فلسفه و به طورکلی دنبال مادی و گریز از آنها است.

۸۰
دیوانه‌نامه علمی – زیوهنسی دانشور رفتار / دانشگاه شهید / شهریور ۸۴ / سال دوازدهم / شماره ۱۳
د) اهداف غایی
همچنان که قبلاً نیز گفتیم، هدف غایی تربیت عرفانی عبارت است از مرحله وصل و فن آن به تعبیری ورد در جهان وحدت همان معروف مقام الوجود است؛ چرا که در غیر این صورت، وصل و تفاوت، سالمیت اعتقاد به تنویت است. در حالی که با کمی از وحدت وجود، هیچ گونا تنویتی در کار نیست که تازه به وصل و تفاوت باشد. البته باید در نظر داشت که مفهوم از معروف مقام الوجود درک شده و اشرافی است که از درون با عمق وجود انسان نشأت می‌گیرد.

د-۳) اهداف مايانی
اهداف میانی این مکتب عبارت است از تحقیق ادراکات شهوین و دستکایه شناسایی‌های ذاتی که حاصل خودشناسی است. کامل روش این است که موضوع با مباحث تلی این هدف میانی نیز مرحله به مرحله به‌عنی انتقال از مرحله‌ای از معروف نفس و شهوید و اشراق ناشی از آن، به مرحله‌ای دیگر، تحقیق می‌پیاده. اکنون سوال این است که خودشناسی چگونه حاصل می‌شود؟ بخش بعدی مقاله، به این موضوع اختصاص دارد.

چنان که گفته شد، دستیابی به ادراکات شهویدی، نویع شناسایی دوسته، به‌کار است که ساده مسئولی یا فظیر در اثر انسانی از این رو درون‌نگری به نحو رفتگی و وجود خوشی و به‌معنی دیگر خودشناسی، از اهداف مايانی سیر و سلوك محصول می‌شد. خودشناسی موضوعی است که هم در عرفان اسلامی - انتهای مکتوب عرفانی - به آن پرداخته شده و هم در رویکردهای جدید روان‌شناسی. از این رو ممکن است گمان شود که هر دو، عنوان عرفان و روان‌شناسی به یک امر مشابه و یکنون نظر داشتنمی‌اند. اما با قدرت صداقت و تأمین در می‌پایه که خوشی و به تبع آن خودشناسی در روان‌شناسی بی‌جهت‌های جسمانی و اجتماعی محدود می‌شود. اصولاً غالب روان‌شناسی غیری به ابعاد منحصر به فرد هست
شخص نیز از جنبه اجتماعی و بی‌عدالتی "تفاوت‌های فردی" که خواهای ناخواهی از ویژگی‌های زیبایی و یا اجتماعی، کروی‌ها[۲۶] به نحو کامل تا اکثر چنین زیبایی اجتماعی را یکی از شاخص انسان از روان‌شناسی حذف کرده و قابل اعمال در حالی که کلاه‌هایی از ساختار و رویکرد و دیدگاه‌های آن تلف و می‌زنند. این پیش‌فرض در مورد "خوشبختی" انسان نیز مصداق معنی‌رسانی است، به گونه‌ای که خوشبختی با همان نفس انسانی از دو لحاظ، تشکیل شده است: اولاً ظاهری و دوماً آن ساختار اجتماعی و زیبایی دارد و لایه‌بندی و اصولی، روحانیت و الهی است. این همان نوع اندازه‌گیری که با دیگر خوشبختی‌های روان‌شناسی به شناسایی ریشه‌های زیبایی و اجتماعی "خوشبختی" آمیزه‌شده شده و حالانه در مکتب تربیتی و روان‌شناسی ارتباطی. ضمن آن که این نوع خوشبختی‌های قبیل نشده، به عنوان یک مقدمه از ارزش و جایگاه خاص خوشبختی برخوردار است، اما به آن نیز محدود نمی‌شود و غواصی در دریای پیکر و وجود خوشبختی تا امکان پذیرانی تر ادامه می‌یابد. با رجوع به مراحل سیر و سلوك انسان باید می‌کند و گنت نه منفی نیستند، بلکه بر عکس چنین شاخصی نیز دارند. به دیگر سخن، برخی از اعضا انسان که حرف‌ها، ای الهی داشته‌اند و چهار همین نشانه‌های گفتگوی انسان را به شناخت و معرفت رهنمود می‌شوند. بر طبق این دیدگاه، عشق بالاترین و والادخانه انسان نقل قدر می‌شود. عشق نه تنها از ابزار شهوانی و حیوانی انسان شناخت تشویقی شود، بلکه روش‌های معنوی داشته، تعلق به سبب وحدت دارد. به همین دلیل، حتی من می‌دانم چگونه که عشق‌های زیبایی با یک عشق خاصی، عشق حزینی، عشق حضانتی، به همان‌انسان‌های است، رشته می‌گیرد [۲۶].
همچنان، هزینه تعلیم و تربیت، هم‌واره بین جنبه عاطفی و شناختی (علاقه‌مندی) انسان مزیت منبعی وجود داشته و به علایه جنبه عاطفی انسان در درجه شدن اهمیت قرار داشته و یکی از لحاظ در مهره‌های قاره ای بایسته به علاقه‌مندی جنبه شناختی انسان قرار گرفته است.

[۲۹]

بر خلاف نگاه منفی غالب دیگر‌ها فلسفه مغرب زمین در باره نقش عاطفی و به‌خصوص عشق، از منظر عرفان اسلامی این عاطفه نه تنها مذموم نیست بلکه برعکس همان طور که اشاره کرد، هسته مرکزی و جویان انسان را تشکیل می‌دهد. به چرا به عشق تجهیز خداوند است و انسان به نبود به‌خوبی جزئی از پروتگر نیست. پس می‌توان استنباط کرد که عشق، به‌تیزی‌های عشق است. این تجربه زیبای دالت‌بین در ادامه تاریخ سرب و سرولی عشق، بازگشت به فندراین اصل انسانی و خودشناسی واقعی است. اما به‌این توجه کمک که این طبق ایجاد اثری از عشق جالبی به خلقی به راحتی و سادگی امکان‌پذیر نیست، بلکه آفت‌های بی‌شماری آن را به‌دست می‌کند. به‌عنوان مثال، راکد مانند انسان در قلمرو عشق‌های زمینی و در تجربه سرب‌وزولی داشته. از جمله شایع‌ترین آسیب‌پذیری‌های مربوط به‌سر و سرلولی عشق است. خورشیدن عرفان اسلامی برای مقابله با این آفت‌ها، تداوی و راهکارهای مناسبی در پیش گرفته است. بهره‌گر فنون از مقام و نشایر، توجه به اخلاق‌ها و همچنان بعد خویشتناشی انسان از جمله مهم‌ترین این تابع‌های به‌رنی در نظام تربیتی برگرفته از عرفان اسلامی، می‌توان تربیت اخلاقی و تربیت نبیه (زیبایی‌شناسی) را به عنوان مکمل‌های اصلی عشق پرور و تربیت عمیقی از دیدگاه‌های مثبت و تربیت کرد و آن‌ها را زیر مجموعه اهداف کوتاه مدت قرار داد.

با استناد از مکتب عرفان اسلامی مشخصی می‌شود که عشق عاطفه‌ای که در بیان شعر است. بلکه برعکس به‌نوی عشق عشایر و آگاهی است. این نوع آگاهی را تنها نکته بررسی‌سازی و می‌باشد و علاقه‌مندی با کمک ابتدا حس مورد ارزیابی قرار داده یا همین خاطر عشق و آگاهی ناشی از عشق به‌حساب می‌شود از آگاهی‌های عقلی و حسی ترجمه جدایی از کلام به‌صورت استعاری و تنبیهی بیان می‌شود تا به‌فهم بیشتر شود و خوانندگان است. در تایید تؤام پسری عشق شنوی احمدزاهی۲۹ می‌گوید: "نتیجه علم، سالم عشق است. اگر بر ساحل بود و از حضور نمی‌نماید و اگر قدم پیش نماید عشق یک‌دنکر به آن‌گاه که عشق را به‌باپد در حسن و جمال جنتی کرد. اما از نظر است. او معتقد است که جمال ذاتی داستانی است و جهان به عنوان چشم‌هایی زیبا است و در تهیه تمامی پیده‌های نهاد به‌هی دیده‌های خیالی یا دیده‌های مخاطر است. داستان مشترکه[۱۱]

با توجه به توضیحات فوق، نوشته‌نشده که از منظر عرفان اسلامی، تربیت عاطفه‌ای با نگاه به عشق پرور و نیاز به عشق می‌توان در نظر داشته باشد. این به‌غیر از سرب‌وزولی عشق است. خورشیدن عرفان اسلامی برای مقابله با این آفت‌های تداوی و راهکارهای مناسبی در پیش گرفته است. به‌ره‌گر فنون از مقام و نشایر، توجه به اخلاق‌ها و همچنان بعد خویشتناشی انسان از جمله مهم‌ترین این تابع‌های به‌رنی در نظام تربیتی برگرفته از عرفان اسلامی، می‌توان تربیت اخلاقی و تربیت نبیه (زیبایی‌شناسی) را به عنوان مکمل‌های اصلی عشق پرور و تربیت عمیقی از دیدگاه‌های مثبت و تربیت کرد و آن‌ها را زیر مجموعه اهداف کوتاه مدت قرار داد.
برنامه درسی و فرایند پادشاهی - یادگیری

در مکتب تربیت عرفان اسلامی، امروزه سیاست‌های مختلف و مصرفی حوزه علوم تربیتی در گروه‌های مختلف حاضر می‌شود. همچنین پر از جهات مختلف مورد انتقاد قرار می‌گیرد. بنابراین، البته در سال ۲۰۰۰ بر این نکته تأکید می‌کرد که آموزش و پرورش باید کلیت فرد را مهم‌ترین توجهی

۳-۵۳ تربیت اخلاقی

در آینده منظم بر تربیت اخلاقی بیشتر تأکید شده است. در حقیقت، مراحل تربیت از اخلاق عملی آغاز می‌شود. تربیت اخلاقی در مکتب تربیت عرفان اسلامی از مدرسه به دنیای عربستان دو مراحل و برخورد آن یک مدتی به ضامن‌های دفاعی تحقیق شناخت اقلیتی نیست. البته بررسی حصول ضامن اخلاقی خود منشأ تحقیق شناخت از آن‌ها می‌شود. [۳۱] در تربیت اخلاقی به نیازی نسبت به تربیت عرفانی برای جمعیت می‌باشد. هیچ خطر آموزشی گام‌ها و تغییری محسوب می‌شود. که چرا یک تربیت اخلاقی در مکتب تربیت عرفان اسلامی از نظریه و زندگی اخلاقی و یا به تعبیر قرآن (تربیت) (سورة جمعه آیه ۱۲) آغاز می‌شود. چنان که پیش از اساس، معرفت عده‌ای داشته و اکتشاف علم مختلف حصول تحقیق نسبت به یادگیری. رفع موانع و کار درلد حجاب‌های گوناگون، مقدمه تحقیق در نوع تربیتی اخلاق دارد. رابط اخلاقی نیز به توخو خود از جمله مهم‌ترین این موانع و حجاب‌های راه لال قبلاً می‌شود. از این رو، سالک در سیر تربیتی خود بازی گام‌ها و گام‌ها را پشت سر گذاشته که هر یک از این مقامات به نوعی وی را در تربیت باطنی کمک می‌کند. مقاماتی از قبیل نوبه، ورع، زهد، قدر، صبر و نظارت آن. این مقامات علاوه بر این که زمینه و آسان‌ساز درک شهودی را روشن‌شکنی را فراهم می‌آورند. در پیشگیری از برود آسیب‌پذیری‌های عشق پوری و حتی در درمان آنها تأثیر بسیار دارند.

۳-۵۳ تربیت هنری (زیبایی‌شناسی)

تربیت هنر با هدف پرورش درک زیبایی‌شناسی، از دیگر راه‌های‌های پیشگیری و درمان اختلالات مربوط به تربیت عاطفی و عشق پوری است. شاید بتوان مدفوع شده که هر دو معاونی و معنی‌های است که بعث تلیف عشق‌های زمینی می‌باشد. عشق‌های عفونی و سبس عشق‌های معنی‌و حس‌هایی می‌گردد. در واقع، درک و درک شیفت‌شناسی داشتن موجب می‌شود که انسان تناها در بند عشق‌های جامعی، توام با نمازات شهوتی اسرار نگرده، بلکه بتواند از آن فرآیند عشق‌های باطنی و روشنی را دنبال کند. این چرا که عشق‌های روحانی چیزی جز درک مرتبی زیبایی حسی پیدا کرده است. این برای انسان هستی‌هایی یکانی باعث خدایاند است و می‌تواند مرطوب که مدین مخاوند نیز عین زیبایی است. پیامربناز عشق و زیبایی، قربان و همسرش یا پیکر و حسنی به‌یکدیگر و حتی به‌یکدیگر و حتی به اصل وحدت وجود در این مرحله عشق پوری بدون تربیت هنری و مهمنی تربیت هنری بودن عشق پوری، به مقصد نخواهد بود.

اهتمام به زیبایی شناسی و تربیت هنری در عرفان اسلامی بسیاری یافته است. سیاست و موسسه عوقی عرفان‌های ممکن است باز از هنرگروه عرفان و هم‌ران آن‌ها است. در تعیین سلسله کلیدی آمده است: سیاست‌های عرفانی به معنی شهادت سرود و همچنین به معنی رقص و سرود و و جدی‌سازی است. [۳] در حقیقت سیاست‌های پیوند اخلاقی به‌همین‌طور که از تربیت و انتزاع هنری‌های محروم‌آواز، موسیقی و حرکات موزون با وجود آباده است. این هنر تربیتی عرفانی تأثیر بسیاری یافته در تاریخ فرهنگ و هنر ایرانی برجای نهاده است. [۳۱]
دموهانه علمی - پژوهشی دانشور و فارار/ دانشگاه شهید/ شهریور ۱۳۸۴/ سال دوازدهم/ شماره ۱۲
نقطه سومی

در فلسفه تربیت عرفان اسلامی، پبر در همان مرشد، گنجینهای از دانش‌های تئوری و کتابی نیست. و کی نیست که عمر خود را در کلاس‌های درس و در درگوی کتابخانه‌ها صرف امروزت، دانش با به عوارت دیدن بر کردن حافظه کره به‌پای. مرشد، دایره بیماری از اطلاعات در مورد نادیده‌ها، ناشی‌دهد، همچون نیست، بلکه شخصی است سفر کره که کوره راه‌های سیر و سلوك را در نوردهی است و به‌زیب و به آن می‌رفت و فقوه کامل دارد. [33] از این رو به آموزه‌های این مكتب مرتب در آموزش و پرورش رسانایی بپر و بالاتر از اطلاعات اسلامی به مترادفی را بر عهده‌دار به طور کلی، نفس‌هایی دنیز جمله آکادمی‌های مربی محسوب می‌شوند، گفته استفاده‌ها و توانائی‌های مربی: دوم، طراحی فعالیت‌ها و برنامه‌های عملی که این طبق از خالا آنها به درک و اگاهی ناپذیر آمیزه‌ای است که این نشان می‌دهد که برنامه‌هایی از آگاهی‌هایی حاصل از تجربه عمل مربی تنظیم می‌شوند: این، هدایت و راهنمایی مربی در طول فعالیت‌های عملی و تجارب فردی: چهارم، تجزیه و تحلیل تجارب مربی به منظور جلوگیری از احترافات و لزه‌های وی به روشی آبی‌پذیری هایی که در جریان تربیت‌شناختی و شکن‌برداری وی به‌پای می‌آید. به‌طور کلی مربی در پیش‌نمر عوارت نفس پیکمشوار و راهنمای ایفا می‌کند [34].

نقطه سومی

مطالب با موگ انقباس شده از دیدگاه تربیتی عرفان اسلامی، مربی در رایگان‌بخشی یا دانشگاهی پرداخته کاملی می‌شود. این که در صنعت و پرورش عرفان، معرفت روابط با تعریبات و روابط سیاسی در پیش‌نمر و از این اشکال‌ها نیست مفاهیم می‌دانند. شهمیه، حوزه کریت و نسبت را که همان جهان محضوس و مادی است پشت سر نیزداهنده، خوده را به

(3) نقطه سومی

در مکتب تربیت عرفان اسلامی، راه‌بهان و مربی تر در دو رکه عمدت است از مجید و عشق و طرفین بین مربی و مربی و رکن دوم اطلاعات محض مربی از وی در خلاص سیر و سلوك [35] این رکه مربی از مبلغات سفر تربیتی و معرفتی مربی محسوب شود. چنان که پیش تر این اشکال شد، در تعامل بین مربی ویی‌مبی، اطلاعات از مقسم و افتخار وی، نفس بی‌علمیه‌ای، و چرا، یک نیوی راهطلب مشتری به‌پای پرورش جبه شناختی و تفکر منطقی، استدلایلی مربی ایجاد نمی‌شود، بلکه راهطلب مربی‌ی در مربی‌ی، مربی در مرتبی و سیر و سلوك و سیر تربیتی و معرفتی شکل‌گیرد کاماً واضح است که این راهطلب نویسي همراه دادن فرد است که پیک خام و پی بی‌توجهه و نازه وارد و دیگری کاماً مجر، و کارآزموده است و مربی می‌داند. راپیک می‌باشد که به‌پای است. بنابراین در این همراهی بخشنده و در نظر نورت مربی در سورد مربی و منازل بین راه، پیچ و به معنای خواهد بود.

(4) نقطه سومی

مطلب با موگ انقباس شده از دیدگاه تربیتی عرفان اسلامی، مربی در فرایند یا پادگانی پرداخته کاملی می‌شود. این که در صنعت و پرورش عرفان، معرفت روابط با تعریبات و روابط سیاسی در پیش‌نمر و از این اشکال‌ها نیست مفاهیم می‌دانند. شهمیه، حوزه کریت و نسبت را که همان جهان محضوس و مادی است پشت سر نیزداهنده، خوده را به...
فرآیند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی

با توجه به نوع متینی در حیطه تربیت دینی و اخلاقی، باید نگرانی در پرداخته‌های درسی با تأکید بر فعالیت‌های عملی و تجارب روزمره و قطعیت تربیت و خارج از حدود کتاب‌های مصور و فعالیت‌های درسی‌ای به تهیه دگرگاه و تغییر دهنده فعالیت‌های تربیتی فرآیند از مرزهای مدرسه.

آموزش عرفان اسلامی می‌تواند به عنوان مبانی برای شکل‌گیری و رشد روحی‌کردی نوین در روانشناسی تلقی شود. بنابراین حیطه عاطفی انسان دارای ارزش‌شناسی است و به همین خاطر، نگاه عرفان به انسان و به عشق که سرچشمه الهی و معنوی دارد، ابزار مهمی برای نقش کلاسی فرآیند. در نهایت، جنبه عاطفی به حفظ تعالیم و تربیت از نظر اهمیت و جایگاهی، مهم تقریباً حیطه عاطفی و چگونه بالاتر از آن آزار می‌گیرد. به علاوه جنبه عاطفی انسان تابع جنبه‌شناسی نیست، بلکه در بسیاری از موارد جنب شناختی و عقلانی انسان از حیطه عاطفی وی تعبیه می‌کند. به همین دلیل، حیطه عاطفی تربیتی اخلاقی و خیالی انسان به همگی از جنگ‌ها و جنگ‌های انسان تلقی می‌شود. راه‌های تحقیق مردان گوناگون شناختی شهودی به حساب می‌آید. این استنباط دل بر آن است که تعلیم و تربیت عرفانی جایگزین برای سایر دیدگاه‌ها نیست. بلکه در اصل، مکمل آن بوده، می‌تواند بر طرف کننده بخی از تفایل آن باشد. برای استنباط بسیاری‌ها از کاربردی‌های پیشنهادی فقه، مبانی عرفان اسلامی برای نظام آموزش و پرورش به شرح زیر است:

1. پژوهشگر در اهداف نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بر پایه اهداف فلسفه تربیت عرفان اسلامی، به طوری که حصول شناختی شهیدی، خودگرایی و دوستگری تربیت عاطفی با محوریت عشق‌پور و تربیت اخلاقی و همجنس تربیت هنری با تکیه بر زیبایی شناسی مورد توجه بیشتر و جدیدتر قرار گیرد.

2. توجه بیشتر معلمان و طرکان نظام آموزش و پرورش به تجارب فردی دانش‌آموزان در فرآیند

متابع

1. نیکی زاده علی‌حسین (۱۳۷۷) کتاب‌پذیر به فلسه‌ای از آموزش و پرورش، انتشارات طهران، نهال، صص ۶۸-۷۸.

2. بهشتی، محمد، ابوبکری، مهدی، فیلی، علی‌قلی (۱۳۷۹) آرای دانش‌آموزان در تعلیم و تربیت و مقایسه آن (جلد دوم)، انتشارات سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه تهران، صص ۲۶۸-۲۷۷.

3. صادقی، سید علی‌محمد (۱۳۸۳) تربیت از طریق استثنای در فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات ایران‌پژوه، نهال، صص ۹۰-۹۱.

4. نیکی‌زاده، علی‌علی‌حسین (۱۳۸۷) در آموزش به فلسفه انتشارات طهران، نهال، صص ۲۰۱۹-۲۰۸.

5. بریسی، حمید (۱۳۷۹) معرفی شهرای عرفا، لسانه‌های ذهنی، شده، صص ۱۳۶۹-۱۳۷۹.
21. مرهوری، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۷۴) عرفان و عربیت نظریه‌کننده، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

22. محمدوکی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۷۴) عرفان و عربیت نظریه‌کننده، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

23. تاریخ نظریه‌دانان اسلامی، [ سیدحسن میرزایی، تهران، ص ۲۱۴].

24. انتشارات قلم، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

25. محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۱) ادراک خود از کودکان، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

26. ابن عربی، محمد (۱۳۸۹) مرور عصری برختیا، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

27. غزالی، احمد (۱۳۷۴) رساله عرفانی در طول، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

28. غزالی، احمد (۱۳۷۸) سوانح، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].


30. مجیدی، محمد (۱۳۸۹) شناخت از دیدگاه عANTI (جلالالدین)، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

31. حکمی، اصغری (۱۳۸۱) سناج در تصور، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

32. میرزایی، سیدحسن (۱۳۸۹) تصور و تناهی آن در موسمی، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].


34. حکمی، اصغری (۱۳۸۱) سناج در تصور، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

35. محمدوکی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۷۴) عرفان و عربیت نظریه‌کننده، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].

36. پهلوی، علی (۱۳۸۶) فلسفه عرفان: تحلیل از اصول و مبانی، [ محمدوکی انتشارات قلم، تهران، ص ۲۱۴].